

DOI: 10.22111/JSSE.2020.30816.1015

Original Research

Examining the Symbols of Sistan Shrines

Marjan Shahraki Farkhondeh¹ & Seyed Rasoul Mousavi Haji²

Received: November 01, 2019; Revised: April 03, 2020; Accepted: April 13, 2020

Abstract

The symbol is associated with the conscious and unconscious mental pronoun. Today, by examining and analyzing the symbolic profiles and myths of the remembrance of the past, we discover the past. Some of the symbols presented by philosophers and religious historians in today's intelligible language that illuminate the worldview and perceptions of the past and the outside world and return to the human past as much as possible and to the mystery of facts and content. The superhuman realizes symbols that are beyond the realm of ordinary meanings and experiences, by passing through the appearance of the text and finding its truth and inner meaning as the crossing of the perceptible world and entering into the inner world of truth and truth. Find out. The Sistan area has many shrines that have special respect and respect for its inhabitants. The abundance of shrines and their special symbols, including the Gaz tree, the altar, the bread-baking oven, the bull horn, and some of these monuments on Mount Khawaja, which has always been a sanctuary and special place in various religions, It is important. Due to the fact that no specific research has been done on these shrines so far, this article attempts to investigate the origins of these shrine symbols through field studies and library studies. To be studied and analyzed in Sistan shrines. The results of the studies indicated that these symbols are influenced by pre-Islamic beliefs and the mythical beliefs of the inhabitants of the region.

Keywords: Symbol, Shrine, Kuh-e Khwajeh, Sistan.

1. Ph.D Student of Archeology, University of Mazandaran; Babolsar, Iran.
Email: mar_far_13@yahoo.com.

2. Prof. of Archeology, University of Mazandaran; Babolsar, Iran (Corresponding Author).
Email: seyyed_rasool@yahoo.com.
ORCID ID: <https://orcid.org/0000-0002-3672-8541>

بررسی نمادهای زیارتگاه‌های سیستان

مرجان شهرکی فرخنده^۱ و رسول موسوی حاجی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۹/۱۰ تاریخ بازنگری: ۱۳۹۹/۰۱/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۱/۲۵

چکیده

نماد با ضمیر خودآگاه و ناخودآگاه روان آدمی در ارتباط است. امروزه با بررسی و تحلیل نمایه‌های نمادین و اسطوره‌های به یادگار مانده از گذشتگان پی به تاریخ گذشتگان می‌بریم. پاره‌ای از نمادها که توسط فلاسفه و مورخان دینی به زبان قابل فهم امروزی ارایه شده، جهان‌بینی و برداشت‌های گذشتگان از عالم بیرون و پیرامونی را روشن می‌سازد و هرچه بیشتر به گذشته بشر بازگردیم، راز حقایق و محتوای فوق انسانی نمادها را که متعلق به ماورای قلمرو معانی و تجربه‌های معمولی است، از طریق عبور از ظاهر متن و راه یافتن به حقیقت و باطن آن که به منزله عبور از جهان محسوس و ورود به عالم باطن و حقیقت است، درمی‌یابیم. منطقه سیستان دارای زیارتگاه‌های بسیاری است که برای ساکنان آن ارزش و احترام خاصی دارد. فراوانی زیارتگاه‌ها و نمادهای خاص آن‌ها از جمله درخت گز، قربانگاه، تنور پخت نان، شاخ گاو و قرارگیری برخی از این بناها بر بلندای کوه خواجه که همواره از تقدس و جایگاه ویژه‌ای در ادیان مختلف برخوردار بوده، دارای اهمیت است. با توجه به این‌که تاکنون تحقیق و بررسی ویژه‌ای در ارتباط با این زیارتگاه‌ها صورت نگرفته، در این نوشتار سعی شده است به مدد پژوهش‌های میدانی و مطالعات کتابخانه‌ای، ریشه این نمادهای زیارتگاهی در زیارتگاه‌های سیستان مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد. نتایج حاصل از مطالعات بیانگر این مهم است که نمادهای مذکور متأثر از اعتقادات پیش از اسلامی و باورهای اسطوره‌ای ساکنان منطقه می‌باشد.

واژگان کلیدی: نماد، باورها، زیارتگاه، کوه خواجه، سیستان.

۱. دانشجوی دکترای باستان‌شناسی دانشگاه مازندران؛ بابلسر، ایران.

Email: mar_far_13@yahoo.com

۲. استاد باستان‌شناسی دانشگاه مازندران؛ بابلسر، ایران (نویسنده مسئول).

Email: seyyed_rasool@yahoo.com

Orkid ID: <https://orcid.org/0000-0002-3672-8541>

۱. مقدمه

واژه نماد در زبان فارسی به معنای نمود، نما و نماینده است. در لغت‌نامه دهخدا ذیل واژه نماد چنین آمده است، «[ن/ن/ن] (امص) نمود. (برهان قاطع) (لغت فرس اسدی، ص ۱۱۴) (اوبهی) (آندرناج) (ناظم الاطباء). به معنای فاعل هم آمده است که ظاهرکننده باشد. (برهان قاطع) (آندراج). نماینده و ظاهر کننده. (ناظم الاطباء)» (لغت‌نامه دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۴: ۲۲۷۳۱). ویژگی نماد، ناشناختگی و رمز و راز واره بودن آن است و همین امر مانع از آن شده که مدلول معین و مشخصی برای آن تعریف و تعیین کرد (سیدحسینی، ۱۳۷۶: ۵۳۸). هر نماد در اصل نشانه‌ای برای شناخت و بازشناسی بوده و در عالم اندیشه و معنی نیز، هر نماد پیوند و اتصالی است که از بابت امکانات میانه‌گیری و همسان ساختن دو چیز، پرمایه و غنی شده‌است (جونز، ۱۳۶۶: ۸). فعالیت نماد دوگانه و چندبُعدی است و نحوه‌ی عملکرد آن به فرآیند آفرینش آن بستگی دارد؛ زیرا نماد مبتنی بر یک صورت نوعی می‌باشد (مرتضوی، ۱۳۶۹: ۱۱۷). در نتیجه، نماد گونه یا نوعی است که با روان خودآگاه و ناخودآگاه آدمی در ارتباط بوده و جامع این دو قطب متضاد بر چیزی مبهم، ناشناخته یا پنهان دلالت می‌کند که احتیاج به رمزگشایی دارد؛ همین ویژگی سبب شده تا از نشانه که همواره تک‌بعدی و یک‌سونگر است ممتاز شود و منبعی بسیار غنی برای تفکر و تأمل به شمار رود و موجب کشف ناشناخته‌ها شود (پرنیان، بهمنی، ۱۳۹۱: ۹۳). آنچه ما نمادش می‌نامیم یک اصطلاح است، یک نام یا نمایه‌ای که افزون بر معانی قراردادی و آشکار روزمره‌ی خود دارای معانی متناقضی نیز باشد. انسان می‌کوشد تا آنچه را که ورای فهم خودآگاه او است با زبانی سمبلیک و نمادین بیان سازد تا برای خودآگاه، ملموس و قابل شناخت باشد (یونگ، ۱۳۷۷: ۲۳).

باورها و آیین‌های ایران باستان در ارتباط مستقیم با طبیعت و نیایش عناصر طبیعی بوده است؛ بیشتر بناهایی که در دل کوه‌ها، کنار چشمه‌ها و درختان مقدس بنا شده، نیایشگاه نیاکان ما بوده‌اند و تا امروز نیز زیارتگاه زرتشتیان و مسلمانان است و امروزه به نام چهارطاقی، آتشکده، امام‌زاده و یا مقابر پیران و بزرگان مشهوراند. نقش باورهای آیینی در فرهنگ ایرانیان باستان قوی و تاثیر گذار بوده و «کیش مهر» قوی‌ترین آیین بوده که از ایران به دیگر ممالک راه یافته و تا کنون بازتاب عمیق آن بر فرهنگ ایرانی- اسلامی و مسیحیت مشهود است. نیاکان ما توسل جستن به مظاهر طبیعت را به اشکال مختلفی گرامی می‌داشتند. گاه در کنار چشمه‌ها گاو، گوسفند، و اسب قربانی می‌کردند و گاه به درخت مقدسی دخیل می‌بستند که این رسوم تا به امروز نیز باقی مانده و برگزار می‌شود (جوادی، ۱۳۸۶: ۱۳-۱۵).

ایرانیان باستان همانند دیگر اقوام کهن برای طلب برکت و باروری به الهه باروری متوسل می‌شدند که چشمه و درخت مقدس نماد آن و مهر و آناهیتا نگهبانان آن‌ها بوده‌اند. در گذشته آن‌چه با حیات ارتباط داشته مقدس بوده و بناهایی که در آن‌ها نیایش و قربانی صورت می‌گرفته همچنان در دین اسلام هم دارای تقدس می‌باشد. از جمله قراردادن آب به عنوان مهریه حضرت زهرا (س) و برگزاری نماز باران در کنار آب که یادآوری نیایش آناهیتا می‌باشد (همان، ۱۳۸۶: ۱۷-۱۸).

دلیل بررسی و تحلیل نمادها که با ضمیر خودآگاه و ناخودآگاه روان آدمی در ارتباط است، مواردی همچون درک بهتر جهان‌بینی و برداشت‌های گذشتگان از عالم بیرون و پیرامونی و پی بردن به راز حقایق و محتوای فوق انسانی نمادها که متعلق به ماورای قلمرو معانی و تجربه‌ها است، می‌باشد. نمادها به‌عنوان عناصر تشکیل‌دهنده حماسه‌ها نیز نیاز به تحلیل و بررسی از لحاظ ساختار و محتوا دارد که کمک شایانی به درک بهتر پیام‌های نهفته در اساطیر و حماسه‌ها می‌کند. دین و اساطیر هیچ ملتی را نمی‌توان جدا از بافت تاریخی آن دریافت و اساطیر نماینده‌ی پیشینه‌ی فرهنگی و عقاید و تفکرات ملل مختلف است. رابطه‌ی انسان و حیوانات، همچنین انسان و خدایان، در اساطیر و روایات کهن از اهمیت خاصی برخوردار بوده است (سجادی راد و سجادی راد، ۱۳۹۰: ۲۹). اندیشه اساطیری مبین استمرار و جاودانگی حقایق زندگی انسان و بیانگر تصورات دور و جاودانه‌ای از دورنمایه‌هایی است که اگرچه در گذر زمان و مکان، دگرگونی‌هایی بر آن عارض می‌شود، اما اساس ثابت و واحدی دارند (فتوحی، ۱۳۸۶: ۲۲۷).

در این میان، سیستان پیشینه طولانی در تاریخ و تمدن دارد و سرزمین اسطوره‌هاست. بررسی و تحلیل نمادهای زیارتگاه‌ها در منطقه به‌دلیل تعدد و فراوانی آن‌ها می‌تواند کمک شایانی به فهم بیشتر این نمادها و همچنین دلایل تقدس این بناها نماید. وجود درخت گز، ساخت زیارتگاه بر بلندای کوه، قربانگاه، شاخ و تنور پخت نان از جمله این نمادها می‌باشد که سعی شده است در این مقاله به بررسی و تحلیل آن‌ها پرداخته شود.

۲. پیشینه تحقیق

در عرصه پژوهش‌ها و مطالعات باستان‌شناسی، مقوله نمادشناسی در بین ادیان و مذاهب فرهنگ‌های کهن در طول تاریخ از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. به نحوی که می‌توان رهیافت‌ها و نظریه‌های بسیاری از فلاسفه، مورخان دین، اسطوره‌شناسان، جامعه‌شناسان، مردم‌شناسان و

متفکران سنت‌گرا از جمله میرچالیاده، شلایر ماخر، رودولف اتو، تیتوس بورکهارت، کارل گوستاو، یونگ و... را دید که بر مطالعات باستان‌شناسان تاثیر گذارده و از سویی دیگر، باستان‌شناسان نیز با بررسی و تحلیل کهن‌الگوهای نمادین و اسطوره‌های بیادگار مانده از گذشتگان و پی بردن به رمز و راز آنها ذهن سایر متفکران را نیز به این موضوع معطوف نموده‌اند.

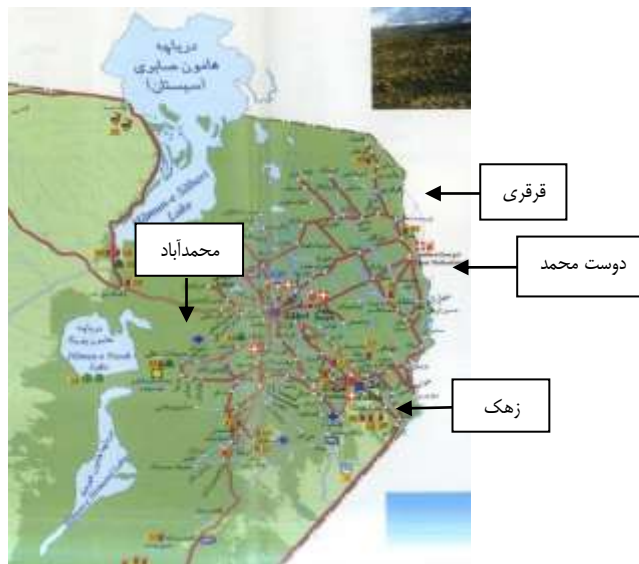
با توجه به تحقیقات بسیار مربوط به نمادشناسی، و تحلیل و تفسیر آن‌ها، اما در خصوص زیارتگاه‌های سیستان به طور مستقل بررسی و تحلیلی به‌ویژه از لحاظ نمادشناسی صورت نگرفته است. در سیستان بخش شمالی حدود ۳۶ زیارتگاه وجود دارد که در این میان ۵ درخت زیارتگاه وجود دارد. تعدادی از این زیارتگاه‌ها طی بررسی نظام‌مند در سال ۱۳۸۶ در بخش شمالی سیستان (موسوی‌حاجی و مهرآفرین، ۱۳۸۶) و بررسی باستان‌شناسی حوزه زَهک سیستان (مهرآفرین، ۱۳۸۳) شناسایی شده و از لحاظ معماری و جایگاه اجتماعی در غالب پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «بررسی قبور و آرامگاه‌های بخش شمالی سیستان در دوره‌ی اسلامی» (شهرکی فرخنده، ۱۳۹۳) و همچنین کتاب «زیارتگاه‌های سیستان» (مهرآفرین و شهرکی فرخنده، ۱۳۹۴) معرفی گردیده است.

۳. موقعیت جغرافیایی منطقه و زیارتگاه‌ها

سیستان منطقه‌ی بزرگی است که بخش وسیعی از آن در ایران و افغانستان و بخش ناچیز آن در پاکستان امروزی قرار دارد. این واحد بزرگ از شمال و شرق به کوه‌های هندوکش و جنوب غرب و غرب به جلگه‌ی پست (با ارتفاع کمتر از ۵۰۰ متر) محدود است (بیک محمدی و دیگران، ۱۳۸۴: ۵۴). سیستان ایران یا سیستان غربی که در شمالی‌ترین بخش استان سیستان و بلوچستان واقع شده، سرزمین نسبتاً همواری است که بیشتر زمین‌های آن از رسوبات و ته نشست‌های رودخانه هیرمند تشکیل شده است (سیدسجادی، ۱۳۷۶: ۹) (تصویر ۱). دشت سیستان همانند نگینی برآمده از آبرفت‌های رودخانه هیرمند است. کوه خواجه تنها عارضه طبیعی این منطقه است. باقی دشت به صورت هموار از شمال غرب به دریاچه‌های سه‌گانه هامون ختم می‌شود (ابراهیم‌زاده، ۱۳۸۸: ۴۲).



تصویر ۱. نقشه استان سیستان و بلوچستان
(مأخذ: وبگاه مرکز آمار ایران)



تصویر ۲. نقشه حوزه‌های سیستان
(مأخذ: وبگاه میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان سیستان و بلوچستان)

حوزه‌بندی در این تحقیق بر پایه‌ی گزارش‌های فاز نخست بررسی روشمند باستان‌شناختی که توسط موسوی‌حاجی و مهرآفرین (۱۳۸۶) در بخش مسکونی سیستان، همچنین بررسی‌های باستان‌شناسی که توسط مهرآفرین (۱۳۸۳) در حوزه زهک انجام شده، صورت گرفته است و شامل ۵ حوزه قُرُقری، دوست‌محمد، زَهک، زابل مرکزی و محمدآباد می‌باشد که پس از بررسی‌های صورت گرفته تعداد ۳۶ زیارتگاه شناسایی شده است (تصویر ۲). از این تعداد ۴ زیارتگاه در حوزه قُرُقری، ۹ زیارتگاه در حوزه دوست محمد، ۱۳ زیارتگاه در حوزه زهک، ۵ زیارتگاه در حوزه زابل مرکزی و ۵ زیارتگاه در حوزه محمدآباد قرار دارد (مهرآفرین و شهرکی‌فرخنده، ۱۳۹۴: ۷).

۴. مشخصات و ویژگی‌های نمادهای زیارتگاه‌ها

منطقه جنوب و جنوب شرق ایران از لحاظ معماری با مناطق شمال، مرکز و غرب ایران تا حدودی تفاوت‌هایی دارد که این تفاوت‌ها در نوع معماری زیارتگاه‌های منطقه سیستان هم قابل مشاهده است. معماری برخی از این زیارتگاه‌ها شباهت به آرامگاه‌های هند و پاکستان دارند و در مواردی این زیارتگاه‌ها فاقد سقف می‌باشند که این امر بازتابی از نوع باور دینی مردمان این منطقه است. در منطقه خراسان بزرگ، قرار دادن قبر صوفیان و عارفان در بیرون بنا و مقابل ورودی در فضای آزاد، یک قاعده بوده است (شهرکی فرخنده، ۱۳۹۳: ۸۳). در منطقه سیستان زیارتگاه‌هایی وجود دارد که هم برای شیعیان و هم اهل سنت دارای ارزش و احترام است. این زیارتگاه‌ها دارای القاب شاه و بی‌بی می‌باشند. اهل سنت منطقه سادات را شاه و بی‌بی می‌خوانند. از جمله این زیارتگاه‌ها می‌توان به زیارتگاه شاه اسماعیل در حوزه قرقری و بی‌بی دوست در حوزه زابل مرکزی اشاره کرد. بخشی از زیارتگاه‌های حائز اهمیت منطقه، درخت- زیارتگاه‌ها است. درخت گز از تقدس خاصی در میان مردم سیستان برخوردار است و اکثراً در کنار زیارتگاه‌های این منطقه درخت گز وجود دارد. گاهی چنین درخت‌هایی در کنار یک بنای زیارتگاهی قرار دارند؛ مانند زیارتگاه بی‌بی دوست و یا به صورت تک درخت و فاقد مقبره می‌باشند مانند زیارتگاه شیعه حسن.

برخی از زیارتگاه‌های سیستان بر اساس خواب و رویای عالمان دینی منطقه ساخته شده‌اند که چنین امری را می‌توان در مناطق مختلف اسلامی مشاهده نمود که حاکی از توجه فراوان پیروان ادیان از جمله مسلمانان به معنویت و درسیاری موارد، وجود علاقه وافره پیامبر (ص)، اهل بیت (ع) و صحابه ایشان است که از عوامل شکل‌گیری این زیارتگاه‌ها به‌شمار می‌روند. علاوه بر درخت گز از دیگر نمادهای مذهبی زیارتگاه‌های سیستان تنور، سکوی قربانی و شاخ گاو می‌باشد. همچنین ساخت دو زیارتگاه بر بلندای کوه خواجه که از تقدس خاصی در ادیان مختلف

برخوردار است، دارای اهمیت است. مری بویس معتقد است که عادات قربانی مردم سیستان شباهت فوق‌العاده‌ای با مراسم قربانی زرتشتیان دارد. همچنین مذبح و تنور برای پخت نان نذری دو عنصر اصلی و پایدار در کنار زیارت‌گاه‌های منطقه‌ی سیستان است (بویس، ۱۳۷۴: ۲۱۴-۲۱۳). زیارت‌گاه‌های سیستان از مصالح بومی و متناسب با معماری رایج در این منطقه ساخته شده‌اند. برخی از این بناها در سال‌های اخیر مرمت شده است اما در مجموع فاقد تزیینات معماری رایج مانند کاشی و آئینه‌کاری می‌باشند (همان، ۱۳۷۴: ۵ و ۶).

نمادها زیارتگاهها	درخت گز	سکوی قربانی	تنور پخت نان	شاخ گاو	ساخت بنا بر روی کوه یا تپه	نمادها زیارتگاهها	درخت گز	سکوی قربانی	تنور پخت نان	شاخ گاو	ساخت بنا بر روی کوه یا تپه
حوزه قرقری			✓			حوزه زهک					
	زیارتگاه شاه اسماعیل	✓	✓			زیارتگاه چهل پیر			✓		
زیارتگاه ابوالفضل اکبرآباد		✓	✓	✓		زیارتگاه دوازده امام واصلان			✓		
زیارتگاه شیر سرخ					✓	زیارتگاه ادیره میرمهدی					
زیارتگاه ابوالفضل قرقری			✓		✓	زیارتگاه ابوالفضل جزینک					
حوزه دوست محمد					✓	زیارتگاه دوازده امام قلعه نو					
	درخت- زیارتگاه شیعه حسن	✓									
درخت- زیارتگاه دوازده امام پوژک			✓	✓		زیارتگاه امیرالمومنین خَمک					
درخت- زیارتگاه ابوالفضل روستای یار محمدعلم					✓	زیارتگاه سید پادشاه			✓		

بررسی نمادهای زیارتگاه‌های سیستان | ۱۹

ساخت بنا بر روی کوه یا تپه	شاخ گاو	تنور پخت نان	سکوی قربانی	درخت گز	نمادها زیارتگاهها	ساخت بنا بر روی کوه یا تپه	شاخ گاو	تنور پخت نان	سکوی قربانی	درخت گز	نمادها زیارتگاهها
✓					زیارتگاه دختر			✓		✓	درخت- زیارتگاه روستای کرم مزرعه
					زیارتگاه ابوالفضل روستای علی آخوند					✓	درخت- زیارتگاه دوازده امام روستای براهویی
					زیارتگاه ابوالفضل روستای نادر					✓	زیارتگاه امام زید
					زیارتگاه ابراهیم نمکی					✓	زیارتگاه ابوالفضل روستای میرشکار
			✓		زیارتگاه مرتضی علی			✓			زیارتگاه ابوالفضل و دوازده امام روستای میرزا نبی
		✓	✓		زیارتگاه شاه ولی یا پیر زیارتجابه	✓	✓	✓			زیارتگاه ابوالفضل روستای کنگ امام داد
✓					حوزه محمدآباد					✓	حوزه زابل مرکزی
					زیارتگاه پیر گندم بریان			✓		✓	زیارتگاه بی‌بی دوست
✓			✓		زیارتگاه خواجه غلطان						زیارتگاه بابا پیر و بی‌بی نور
		✓			زیارتگاه پیر سبز	✓					زیارتگاه شیخ علی
		✓	✓	✓	زیارتگاه ابوالفضل روستای سیاسر	✓					زیارتگاه شیخ علی
✓					زیارتگاه خواجه مراد						زیارتگاه سید باقر
									✓	✓	زیارتگاه ابوالفضل روستای طاغذی
جمع کل: ۳۷ زیارتگاه درخت گز: ۱۳ سکوی قربانی: ۸ تنور پخت نان: ۱۳ شاخ گاو: ۲ ساخت بنا بر روی کوه یا تپه: ۱۱											

• تقدس درخت

درخت در معنای عام، دال بر حیات گیتی، رشد و زاینده‌گی و فرایندهای زایایی مکرر آن است. همچنین به معنای زندگی جاودانه و بی‌زوال و در نتیجه فناپذیری است (گورین و همکاران، ۱۳۷۰: ۱۸۷). از دورترین ایام، تصویر مثالی درخت، به‌مثابه‌ی آینه‌ی تمام‌نمای انسان و ژرفترین خواسته‌های اوست. این تصویر مثالی، زاینده‌ی انبوهی رمز است که در شاخه‌های بی‌شمار گسترش می‌یابند و بستر اساطیر، ادیان، هنرها، ادبیات و تمدن‌های گوناگون می‌باشد. با گشت و گذار در عالم تخیل، سرانجام، به سرچشمه اصلی سرگذشت بشر که تصاویر درختان مقدس در آن جایگاه، چشمان را افسون می‌کنند، می‌رسیم. ریشه‌های قوی بنیاد این درختان که در اعماق زمین فرو رفته‌اند، باقی و پایدارند و گواه بر پایداری رمزی که همواره سرزنده و جاندار است (دوبوکور، ۱۳۷۳: ۸). درخت از دیدگاه آیین‌ها، نه تنها رمز هستی است، بلکه نماد حیات و جوانی و جاودانگی نیز هست. درخت توانسته است بیانگر همه‌ی مقدسات انسان و همه‌ی ویژگی‌های خدایان، پهلوانان و نیمه خدایان باشد (بهار، ۱۳۷۷: ۴۲). از لحاظ بعد دینی درخت مظهر قدرت بوده؛ و از این رو در آیین‌های کهن مورد پرستش قرار گرفته که حامل یک بعد روحی است. درخت دارای نیروهای قدسی است، چون عمودی می‌روید، درخت سبز می‌شود، سپس برگ‌هایش را از دست می‌دهد و بار دیگر آن‌ها را به‌دست می‌آورد. این بدان معنی است که درخت بازیگر نمایش رستاخیز است؛ می‌میرد و به زندگی باز می‌گردد. درخت بدین ترتیب رمز وجود است. لذا برخی از ادیان کهن، درخت را عین هستی دانسته‌اند (صدقه، ۱۳۸۷: ۱۴۲).

اهمیت اساطیری درخت را در میان ایرانیان می‌توان از داستان آفرینش نخستین پدر و مادر بشر، مشی و مشیانه دریافت (هینلز، ۱۳۶۸: ۹۵). در میراث اساطیر کهن ایرانی، درخت حیات را می‌بینیم با همان ویژگی‌های درخت خلود در تورات که به دیگر گیاهان خارق‌العاده شبیه است؛ شفا می‌بخشد، مردگان را زنده می‌کند و جوانی را برمی‌گرداند (صدقه، ۱۳۸۷: ۴-۱۴۳). در اساطیر کهن، درخت مقدس نیز با همان مفهوم و محتوا و در برابر با درخت زندگی آمده است (مرزبان و معروف، ۱۳۷۷: ۳۵۲).

در فرهنگ ایرانی نابود کردن درخت حتی از شکار نیز شوم‌تر است. اگر شکار و نخجیربانی انسان را به درویشی می‌کشاند، درخت افکندن عمر را کوتاه می‌کند. یک ضرب‌المثل معروف می‌گوید:

به درویشی کشد نخجیربانی

درخت افکن بود کم زندگانی

همچنین ناصر خسرو می‌گوید:

خلق همه یکسره نهال خدایند نیز تو این نهال نه بشکن و برکن (صدقه، ۱۳۸۷: ۱۴۵).
 درخت گز در شاهنامه از سویه‌ی مینوی بودن برخوردار است. این درخت نمادین با همه
 سویه‌های رمزواره‌اش می‌تواند نماد دخت کیهانی باشد که سیمرغ پرنده نمادین شاهنامه بر راز آن
 آگاه است (شاهنامه شناسی، ۱۳۵۷: ۱۳). در شاهنامه چنین آمده است که سیمرغ به رستم
 درخت گزی را نشان می‌دهد تا با چوب آن درخت، تیری بسازد و چونان مردم گز پرست، تیر را با
 هر دو دست به سوی چشم اسفندیار پرتاب کند و او را از پای درآورد.

گری دید بر خاک سر بر هوا نشست از برش مرغ فرمانروا

بدو گفت شاخی گزین راست‌تر سرش برترین و تنش کاست‌تر

بدان گز بود هوش اسفندیار تو این چوب را خوار مایه مدار

میان درخت گز و اعتقادات مذهبی روزگاران کهن، پیوستگی‌هایی می‌توان یافت (سلطانی
 گردفرامرز، ۱۳۷۲: ۷۴؛ فریود و طاووسی، ۱۳۸۱: ۵۱). اسلامی ندوشن در کتاب داستان
 داستان‌ها، پنج ویژگی را برای این درخت بیان کرده است: الف) محلی بودن درخت گز در ناحیه
 سیستان؛ ب) بلندی و باریکی که برای ساختن تیر مناسب است؛ ج) بی‌بار بودن؛ د) خاصیت
 مرموز خدایی و مذهبی؛ هـ) سخت جانی درخت گز که حتی در میان کویر سوزان می‌روید و
 دارای خاصیت طبی است (اسلامی ندوشن، ۲۵۳۶: ۱۲۱).

در بخش‌های مختلف اوستا که از هوم نام برده شده است که شیرهاش مستی‌آور و
 درمان‌بخش است (میرشکرایبی، ۱۳۷۹: ۵۳). گونه‌ی سپید هوم که در اوستا، گئوکرنه، نامیده شده
 است، به باور ایرانیان کهن، بی‌مرگی را در روز رستاخیز به آدمی ارمغان خواهد داد (کزازی،
 ۱۳۹۰: ۵۰). در برخی مراسم‌های آیینی ایران باستان از شاخه‌های درخت هوم استفاده می‌شده و
 در صورت نبودن هوم باید به‌جای آن از درخت گز استفاده می‌شده است (فریود و طاووسی،
 ۱۳۸۱: ۱-۵۰). درخت گز از شاخه‌های زیست محیطی در سیستان است. دو نوع درخت گز در
 سیستان وجود دارد: گز رسمی و کوره گز (در اصطلاح محلی گز گز). درخت گز خصوصاً کوره گز
 به‌دلیل قطور و دیرسوز بودن به عنوان سوخت اصلی کوره‌های پخت سفال و تنوره‌های پخت نان از
 گذشته تا به امروز مورد استفاده قرار می‌گرفته است. اما درخت‌های مقابل زیارتگاه‌ها بسیار
 مقدس‌اند و هرگز شکسته و یا قطع نمی‌شود. هرچه تنه درخت گز قطورتر باشد، نشانه طول عمر

بیشتر آن است و چنین درخت‌هایی از تقدس بیشتری برخوردارند. درخت گز نماد استقامت، جاودانگی، اقتدار و باروری در سیستان است و رسم دیرینه‌ای وجود داشته به نام «عقد گز»، که وقتی دختر جوانی از دنیا می‌رفت، قبل از دفن، او را به عقد درخت گزی درمی‌آوردند تا به گونه‌ای رازآلود و نمادین نقش باروری او را با درخت گز که نماد زاینده‌گی بود عینیت بخشند و این نارسایی را جبران نمایند. در سیستان درخت گز نمادی از استقامت و پایداری زنان است (مصاحبه شخصی با علیرضا خسروی، ۱۳۹۲). درخت گز زیارتگاه بی‌بی دوست و زیارتگاه ابوالفضل روستای سیاسر در منطقه سیستان از نوع درخت کوره‌گز است که قطور بودن تنه این درختان نشان از کهنسال بودن آن‌ها دارد (تصویر ۳ و ۴). این دو زیارتگاه هم در ایام محرم و هم در هنگام تحویل سال نو از رونق بسیاری برخوردار است و پخت نان و قربانی کردن از جمله مراسمی است که در این مکان‌ها انجام می‌شود (مهرآفرین و شهرکی فرخنده، ۱۳۹۴: ۱۳۵). درخت- زیارتگاه‌های منطقه شامل تک درخت بدون مقبره گاهی همراه با تنور پخت نان همانند زیارتگاه ابوالفضل روستای کرم مزرعه در حوزه دوست محمد می‌باشد که برای پخت نان در این زیارتگاه‌ها هرگز شاخه‌های درخت گز شکسته نمی‌شود (تصویر ۵ و ۶).



تصویر ۳. درخت کوره‌گز زیارتگاه بی‌بی دوست
(مأخذ: نگارندگان)



تصویر ۴. درخت کوره گز زیارتگاه ابوالفضل روستای سیاسر
(مأخذ: نگارندگان)



تصویر ۵. درخت - زیارتگاه ابوالفضل روستای کرم مزرعه
(مأخذ: نگارندگان)



تصویر ۶. درخت - زیارتگاه ابوالفضل روتای یار محمدعلم
(مأخذ: نگارندگان)

• تقدس کوه

در فرهنگ نمادها، کوه جایگاه خدایان دانسته شده که بالا رفتن از آن همانند عروج، پیشرفتی به سوی شناخت حقیقت است. نمادگرایی کوه چند وجهی است؛ کوه به آسمان نزدیک می‌شود و با نمادگرایی ماورا مشترک است. نمادگرایی دیگر آن، ارتباط قلبی با خداوند در قلعه‌ی کوه به دلیل شکوه و عظمت آن محکم‌تر و معنوی‌تر است و وقتی انسان به کوه برای ستایش و تقرب صعود می‌کند، نشان‌دهنده کشش و جاذبه درونی انسان برای التیام بخشیدن به دورماندگی و تنهایی است و همچنین بهره‌مندی از حمایت آن‌ها می‌باشد. در باورها و اعتقادات مردم باستان، کوه‌های مقدس و اساطیری نماد بهشت هستند (شوالیه و گربران، ۱۳۸۵: ۹-۶۳۶).

کوه از نظر ایرانیان باستان نیز اهمیت و اعتبار خاصی داشته و اغلب آیین‌ها و مراسم مذهبی آن‌ها در کوه‌ها برگزار می‌شده است. کوه‌های اساطیری و افسانه‌ای نقش‌های مهمی در ارشاد و راهنمایی انسان‌ها داشته‌اند. برخی از کوه‌ها مدفن بزرگان و عبادتگاه عابدان بوده است. همچنین کوه‌ها جایگاه پارسایان و قهرمانان و مردان مقدسی بوده‌اند که برای رسیدن به جاودانگی و فره ایزدی در قله کوه‌ها به خدا متوسل می‌شده‌اند و با قربانی‌ها و آیین‌های مذهبی در پی رسیدن به تقرب الهی بوده‌اند و اغلب آیین‌های مذهبی نیز بر فراز کوه‌ها برپا می‌شده است (راشد محصل و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۲۰-۱۱۹). کوه در اوستا با صفات پاکی، آسانی، آسایش‌دهنده آمده است (عنیفی، ۱۳۷۴: ۵۹۲). ایرانیان از دیرباز، جهت عبادت و تقرب به خداوند و همچنین برگزاری آیین فدیة و پیشکش بر فراز کوه‌ها رفته و مراسم ستایش به جای می‌آورند (همان، ۱۳۹۱: ۱۲۴) (تصویر ۶).



تصویر ۶. نمایی از کوه خواجه
(ترسیم: مرجان شهرکی فرخنده)

در این بین، کوه خواجه سیستان در نزد مسلمانان دارای تقدس ویژه‌ای است. به دلیل وجود دو زیارتگاه خواجه غلطان و پیر گندم بریان برفراز این کوه هر ساله تعداد زیادی از مسلمانان را به سوی خود جلب می‌کند. تقدس کوه خواجه را باید از دوره‌های پیش از تاریخ سیستان، خصوصاً عصر مفرغ جستجو کرد. زمانی که ساکنان شهر سوخته و محوطه‌های اقماری آن، در حاشیه‌ی دریاچه‌ی هامون در شامگاهان زیبایی و شکوه آن را از دوردست‌ها به تماشا می‌نشستند. در این ادوار، رمز و الوهیتی در کوه دیده می‌شود که بی‌شک در آثار معنوی این مردمان منعکس است (مهرآفرین، ۱۳۹۱: ۴۷). وجود دو زیارتگاه خواجه غلطان و پیر گندم بریان هر دو بناهایی مستطیل شکل گنبددار از خشت، آجر، سنگ و گل است. در میان زیارتگاه پیر گندم بریان قبر کوچکی وجود دارد که گفته می‌شود همه ساله کشاورزان مقداری گندم برشته را در این محل می‌ریزند که موجب برکت محصول آن‌ها شود (شهرکی فرخنده، ۱۳۹۳: ۱۴۷) (تصویر ۷ و ۸).



تصویر ۷. زیارتگاه پیر گندم بریان
(مأخذ: نگارندگان)



تصویر ۸. زیارتگاه خواجه غلطان
(مأخذ: نگارندگان)

• آیین قربانی

آیین قربانی از کهن‌ترین آیین‌های تمام ادیان، اعم از ابتدا تا کنون است. انسان‌ها در تمام ادوار کوشیده‌اند تا با تقدیم هدیه و قربانی به خدا یا خدایان خشنودی آنها را خلب کرده، از خشم و غضبشان جلوگیری کنند (آقایی، ۱۳۹۱: ۵۳). «قربانی» از ریشه «قرب» به معنای نزدیکی است (دشتی‌رحمت‌آبادی، ۱۳۶۵: ۱۲۲). قربانی در اصطلاح «علم ادیان» معمولاً گرفتن جان موجود زنده از راه کشتن، سوزاندن، دفن کردن و یا خوردن به منظور تقرب به خدا یا قوای فوق طبیعی منظور نظر بوده است (مصاحب، ۱۳۹۱: ج ۲ / ذیل واژه قربانی).

با تحقیقاتی که در زمینه آیین قربانی به عمل آمده، این آیین تقریباً در همه‌ی ادیان و مذاهب با وجود و کیفیت مختلف رواج داشته است. همچنین قربانی کردن منشا الهی دارد به گونه‌ای که قربانی مهم‌ترین حکم شریعت یهودی است (رک: سوره حج و خروج ۲، ۱۲۱-۱۴؛ دشتی‌رحمت‌آبادی، ۱۳۶۵: ۱۲۳؛ فِهرتی^۲، ۱۹۷۴: ۱۱۳). در قرآن آمده است: «برای هر امتی قربان‌گاهی قرار دادیم تا نام خدا را (به هنگام قربانی) بر چهار پایانی که به آن‌ها روزی داده‌ایم ببرند و خدای شما معبودی واحد است. در برابر فرمان او تسلیم شوید» (سوره حج، آیه ۳۴)^۳. قربانی بر حسب موضوع به قربانی خونی و غیرخونی تقسیم می‌شود که قربانی خونی شامل قربانی انسان و حیواناتی از قبیل بز، قوچ، گاو و ... می‌باشد (بایر ناس، ۱۳۸۷: ۷۷؛ باوکس^۴، ۲۰۰۷: ۶۶). «رابرت سون اسمیت» باستان‌شناس، نشان می‌دهد که قربانی کردن حیوانات در مذهب یک جز اساسی از آداب مذهبی در کیش‌های باستانی بوده است، به نحوی که می‌توان آن را به وسیله‌ی عمل بسیار عام و با تاثیر مشابه توضیح داد. تردیدی نیست که قربانی‌های حیوانی قدیمی‌تر از

۱. بره شما بی عیب، نرینه یکساله باشد، از گوسفندان یا از بزها آن را بگیرد و آن را تا چهاردهم این ماه نگاه دارید و تمامی انجمن جماعت بنی اسرائیل آن را در عصر ذبح کنند و از خون آن بگیرد و آن را بر هر دو قائمه و سر در خانه که در آن، آن را می‌خورند، بپاشید (سفر خروج، باب ۱۲).

2. Feherty

۲. «وَلِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنْسَكًا لِيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُمْ مِنَ الْبَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ فَالْهُكْمُ إِلَهُ وَاحِدٌ فَلَهُ أَسْلِمُوا وَبَشِّرِ الْمُخْبِتِينَ» (سوره حج، آیه ۳۴).

4. Bauks

انواع دیگر بوده است و در ازمنه‌ی باستان فقط حیوانات را قربانی می‌کرده‌اند که خون و گوشت آن‌ها بوسیله‌ی خدا و پرستندگان او مشترکاً به مصرف می‌رسیده است (فروید، ۱۳۴۹: ۱۸۴). حضور ایزد مهر را با حماسه‌ی قربانی گاو، نماد زایش و فراوانی و به تعبیری غلبه بر هواهای نفسانی از روزگار باستان تاکنون همواره شاهد بوده‌ایم که روشن‌ترین یادگار مهر در آیین‌های ایرانی بوده است. ایزد مهر با قربانی کردن نمادین گاو موجب رستاخیز و دگرگونی اسرارآمیز جهان است (آورزمانی، ۱۳۸۹: ۱۶-۱۴). آیین قربانی یکی از مهم‌ترین آیین‌های مذهبی به شمار می‌رود که پیوند عمیقی با کوه دارد. در روایات سامی قربانی‌ها بر فراز بلندی‌ها و کوه‌ها انجام می‌گرفته و اولین قربانی تاریخ ادیان در داستان هابیل و قابیل بوده و همچنین در روایات اسلامی حضرت ابراهیم (ع) فرزندش اسماعیل را برای قربانی به کوه منی می‌برد (راشد محصل و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۲۵).

تعداد زیارتگاه‌هایی که در سیستان دارای قربانگاه بوده، ۱۴ عدد است، که یا به شکل سکو ساخته شده، مانند زیارتگاه‌های شاه اسماعیل و امیرالمومنین خَمَك^۱ (تصویر ۹) و یا فضای حوضچه‌مانندی است که یک سنگ به صورت برافراشته بر بالای آن قرار داده‌اند، مانند زیارتگاه‌های دوازده امام واصلان و خواجه غلطان (تصویر ۱۰).



تصویر ۹. سکوی قربانی زیارتگاه شاه اسماعیل
(مأخذ: نگارندگان)



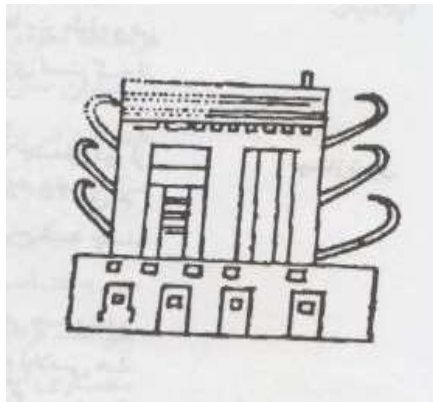
تصویر ۱۰. قربانگاه زیارتگاه خواجه غلطان
(مأخذ: نگارندگان)

• شاخ گاو

گاو در اساطیر ایران و هند نماد باروری و باران است. گاو در ایران تجلی ایزدان، اما در هند تمثالی از ایزدان اساطیری است. این حیوان در ایران منشا پیدایش حیوانات و گیاهان است (دادور و مبینی، ۱۳۸۷: ۱۱۵). مقام گاو در زمین برابر «ثور» در آسمان است، زیرا وی در کشت زمین نقش موثری دارد و نیز علامت میترا می‌باشد. در یک سرود روحانی ایران باستان، از گاو نر به عنوان منبع وفور و عامل تمام خوبی‌ها نام برده شده است (جابر، ۱۳۷۰: ۱۷-۱۵؛ عبدالهیان، ۱۳۷۸: ۵۲؛ عطایی، ۱۳۷۶: ۲۴-۱۸).

شاخ گاو ماده در ایران باستان علامت عقل، خورشید یا ماه بوده است و گاو نخستین در اسطوره‌ی آفرینش ایران، گاوی سفید رنگ است که پی از جنگ با اهریمن به ماه می‌رود تا پاکیزه گردد. به طوری که شاخ‌های گاو همانند هلال ماه است، خود اشاره‌ای بر نمادینه بودن ماه در این حیوان دارد (دادور و مبینی، ۱۳۸۷: ۷-۱۲؛ سرخوش کرتیس، ۱۳۹۰: ۲۰-۱۱).

وجود شاخ بر روی معابد جز مهمی از آن بناها بوده و شاخ نماد الوهیت بوده است. اتاقی در لایه D گنج دره (هول، ۱۳۸۶: ۱۱۲)، مهری از هزاره سوم ق.م (پیرنیا، ۱۳۹۲: ۴۶؛ پاتس، ۱۳۹۲: ۱۱۵) (تصویر ۱۱) و استلی از شوش مربوط به خدای هوبان- الو (صراف، ۱۳۸۷: ۱۱۸) معابدی را نشان می‌دهند که با شاخ تزیین شده‌اند.



تصویر ۱۱. مهر هزاره سوم ق.م.
(مأخذ: پیرنیا، ۱۳۹۲: ۴۶)

از تزئینات منارک‌های زیارتگاه‌ها در سیستان نیز نصب شاخ گاو بر بالای آن‌ها است که این تزئین در زیارتگاه دوازده امام واصلان (تصویر ۱۲ و ۱۳)، امیرالمومنین خَمک (تصویر ۱۴) و ابوالفضل روستای کنگ امام‌داد دیده می‌شود. تزئین مکان‌های مقدس با شاخ گاو، از قدمت دیرینه‌ای در سیستان برخوردار است. در گذشته، سردر آتشکده‌ها یا سقف آن‌ها با شاخ گاو تزئین می‌شد. قزوینی که در قرن هفتم هجری از آتشکده‌ی کرکویه^۱ دیدار نموده و در توصیف آن می‌نویسد دو گنبد بزرگ دارد که حدس می‌زنند از زمان رستم باقی مانده است. سر هر گنبد شاخ گاوی نصب شده، هر شاخی به شاخ دیگر متمایل، همچنان که دو شاخ گاو متمایل به یکدیگر است (لسترنج، ۱۳۷۷: ۳۶۶).

۱. در خرده اوستا، آتش بهرام، بند ۲۰ پس از سه آتش معروف، از آتش کرکوی یاد شده است. «آتش بهرام، آذران شهریاری پیروز، آذرگشنسب، آذر فرنبغ، آذر برزین‌مهر و دیگر کرکوی را بزرگی و فر بیفزایاد» (دوستخواه، ۱۳۷۵: ۶۰۷).



تصویر ۱۲. زیارتگاه دوازده امام واصلان
(مأخذ: نگارندگان)



تصویر ۱۳. شاخ نصب شده بر روی منارک زیارتگاه دوازده امام واصلان
(مأخذ: نگارندگان)



تصویر ۱۴. شاخ نصب شده بر روی منارک زیارتگاه امیرالمومنین خَمک
(مأخذ: نگارندگان)

• تقدس گندم و حرمت نان

در اسطوره‌های آفرینش آغازین آمده است، وقتی خدا انسان‌ها را به زمین فرستاد، توشه‌ای از دانه‌های قابل کشت به آن‌ها بخشید و از آنان درخواست کرد آن را پاسداری کنند. آدمیان با رسیدن به زمین دانه‌ها را کشت کردند و از غلات و دانه‌های خوراکی غذای خود را فراهم نمودند. از کیفیت تهیه و پخت نان در دوره‌های اولیه اطلاع چندانی در دست نیست؛ اما می‌توان گفت که هم‌زمان با پیدایش آتش و شناخت گیاه گندم، انسان‌های اولیه براساس تجربه، به خمیر کردن و پختن آن پی بردند (محمدی، ۱۳۸۳: ۸۹).

به استناد کاوش‌های باستان‌شناسی، تمدن بشر با استفاده از گندم یا جو در دره‌ها و دامنه‌های مشرف به دجله و فرات آغاز شده است (بهنیا، ۱۳۷۶: ۱). نان یکی از قدیمی‌ترین و عزیزترین نعمت‌ها الهی و حاصل تلاش انسان است. کمتر ملتی در دنیا وجود دارد که نان را به عنوان برکت و عامل حیات نداند. از این رو قداست و حرمت گندم و نان در تاریخ و در ادیان توحیدی سابقه‌ای دیرین و جایگاهی با اهمیت دارد. نه تنها گندم و نان یار دیرینه‌ی بشر به‌شمار می‌رفته و می‌رود، بلکه در گذشته در مقابر مرده‌ها برای خوراک ارواح نیز گندم می‌گذاشتند. پیشینیان معتقد بودند که بسیاری از خدایان به گندم توجه خاصی داشتند و حتی خدایان گندم و جو نامیده می‌شدند (بهنیا، ۱۳۸۲: ۱-۱۴۰). مصریان گندم را به الهه‌ی حاصل‌خیزی نسبت داده‌اند و رومیان گندم را به الهه‌ی زراعت نسبت داده‌اند و در مراسم مذهبی مربوطه خوشه‌های گندم را به خدایان خود هدیه داده‌اند (پایان، ۱۳۷۷: ۱۳).

گندم در ادیان توحیدی نیز حائز اهمیت بوده است. در نظر زرتشت، بهترین شغل‌ها زراعت و دست زارعین مقدس بوده، زیرا با شخم زدن و حاصل‌خیز ساختن یک زمین خالی، ضربتی به اهرمن زده می‌شده است. اهرمن وقتی که یک مزرعه‌ی سبز می‌بیند، گریه می‌کند و به خانه‌ای که در آن جا گندم زیاد باشد نمی‌تواند داخل شود (بهنیا، ۱۳۸۲: ۴-۱۴۳).

در آیین زرتشتی، نان بسیار مقدس بوده و در مراسم سوگواری، آشتی‌کنان، عروسی، جشن‌ها و... از آن با آداب مخصوص تناول می‌کردند (پورداوود، ۱۳۷۷: ۴۱۹؛ بهنیا، ۱۳۸۲: ۱۴۱). در یکی از مراسم دینی زرتشتیان به نام درون‌یشتن از نان برای امشاسپندان یا فرشتگان و فروهرهای در گذشتگان خیرات می‌شده است. چون کسی به سفر می‌رفته که بیش از دوازده فرسنگ بوده، جهت گشایش کارش قبل از سفر این مراسم اجرا می‌شده است تا سلامت و بی‌گزند بماند (پورداوود، ۱۳۸۰: ۱۸۰-۱۷۹).

اقوام ایرانی ارزش و اهمیت نان، این برکت الهی را می‌دانستند و برای آن ارزش و احترام خاصی قائل بودند و آن را مایه‌ی برکت و خیر و روزی و بخشندگی می‌دانستند (پورداوود، ۱۳۷۷: ۱۰۳). چندین سنت کهن در ارتباط با نان در سیستان وجود دارد. در این منطقه نوعی نان به نام «نان سال» به شکل خورشید، در ابتدای هر سال پخته می‌شود و تا پایان روز سیزدهم فروردین و گاه تا پایان سال، آن را در صندوق نان نگه می‌دارند و اعتقادشان بر این است که باعث ایجاد برکت برای خانه در آن سال است. از دیگر سنت‌های رایج این است که در آغاز هر سال زراعی و در هنگام برداشت محصول هر خانواده باید اولین نان را از کشته‌ی خویش بخورد، یعنی تا قبل از این که محصول خود را مصرف نکرده باشد، حق استفاده از محصول فرد دیگر را ندارد. همچنین پخت نان قبل از سفر برای شخصی که به سفرهای دور می‌رود تا از آسیب و گزند در امان بماند که این سنت همان مراسم درون‌یشتن است که تا کنون در این منطقه باقی مانده است (محمدی، ۱۳۸۳: ۹۳). سنت دیگر در ارتباط با تقدس نان و گندم در سیستان برشته کردن گندم است. در زیارتگاه پیرگندم بریان، گندم‌های برشته را بر روی قبر می‌ریزند که موجب برکت محصول آن‌ها شود. این سنت نیز ریشه در دوران کهن دارد همچنان که در عصر آهن آتش زدن خوشه‌های گندم و جو بر بالای قبور جزو سنت‌های منطقه شمال مرکزی ایران بوده است (طلایی، ۱۳۸۷: ۱۲۷). مشابه تنورهای امروزی سیستان در ایوان شمالی ساختمان شماره‌ی سه دهانه غلامان وجود دارد. درواقع، باید گفت بعد از گذشت ۲۵۰۰ سال هیچ تغییری در شکل تنورهای سیستان حاصل نشده است (مهرآفرین، ۱۳۹۱: ۱۱۲).

از میان ۳۷ زیارتگاه، ۱۴ زیارتگاه دارای تنور پخت نان است. از جمله زیارتگاه‌های بی‌بی دوست، دوازده امام واصلان و شاه اسماعیل (تصویر ۱۵ و ۱۶). خراب کردن تنور در این سرزمین جایز نیست و در صورت ضرورت باید خون مرغ و یا خروسی به عنوان قربانی قبل از تخریب ریخته شود. بی شک این تقدس یادگار ادوار کهن این منطقه است. معمولاً خانواده‌های کم بضاعت که توان قربانی حیوان ندارند برای برآوردن حاجات و یا خیرات مردگان خود در این تنورها مبادرت به پخت «تفتو» که نانی گرد و ضخیم است، می‌کنند و سپس آن را برش نموده و بین زوار تقسیم می‌کنند (مهرآفرین، ۱۳۹۱: ۱۱۲).



تصویر ۱۵. تنور پخت نان زیارتگاه بی‌بی دوست
(مأخذ: نگارندگان)



تصویر ۱۶. تنور پخت نان زیارتگاه شاه اسماعیل
(مأخذ: نگارندگان)

۵. نتیجه‌گیری

بسیاری از مکان‌های مقدس یادگاری از باورهای کهن است که طبیعت، محیط و جغرافیا عرصه و بستر ظهور و بروز آن را مهیا کرده است. تقدس و نیایش ایزدان که حاصل خیزی، نعمت و فراوانی را به همراه می‌آوردند چنان در آداب و سنن اسلامی رسوخ کرده که ریشه‌های قدیمی و اصیل آن در غبار ایام گذشته به فراموشی سپرده شده است. بسیاری از آیین‌های مربوط به حاصل-خیزی و کشاورزی امروز در کنار اماکن مقدس برپا می‌شود که نشانه‌ها و یادگارهایی از گذشته‌های دور به همراه دارد. از هر روی که بنگریم، کشاورزی و حاصل‌خیزی، تقدس گیاه یا درخت و تقدس کوه و غیره ریشه در آیین‌های کهن داشته که با نیایش و قربانی همراه بوده و برخی از رسوم و مناسک در باورهای زرتشتی و سپس در سنن و آداب اسلامی راه یافته و به گونه‌ای دگردیسی نموده تا جایی که امروزه شکل و ظاهر آن‌ها حفظ شده در حالی که معنای آن پلایش شده و با احکام و عقاید اسلامی آمیخته است.

سیستان نیز از این قاعده مستثنی نیست و به دلیل شرایط سخت آب و هوایی، بادهای صد و بیست روزه و خشکسالی‌های طولانی مدت، موجب ساخت زیارتگاه‌های فراوانی در منطقه شده که طی قرون متمادی حفظ شده است. وجود این زیارتگاه‌ها که اکثراً به شکل چهار طاقی و در مواردی بدون سقف ساخته شده‌اند، از جهات مختلف از جمله معماری، نمادها و رسوم رایج در آن‌ها، ریشه در تاریخ و فرهنگ غنی و چندین هزارساله این منطقه دارد. تقدس درخت گز که هم در اوستا و هم در شاهنامه بارها به آن اشاره شده، وجود تنور پخت نان در اتاق شماره سه دهانه غلامان که بنایی مذهبی است، نصب شاخ بر بالای آتشکده کرکویه، همچنین مراسم قربانی و ساخت بنای مذهبی بر روی بلندی، همه نشانه‌هایی از رسوم کهن منطقه است.

سیستان منطقه‌ای راهبردی در پیش از اسلام بوده است. سوای از تاریخ ساخت و ایجاد زیارتگاه‌های منطقه، وجود نمادهای گوناگون و دیرینگی باورها و اعتقادات پیرامون آن‌ها می‌توان استنباط نمود که این نمادها بازمانده ادوار کهن منطقه هستند که در طول زمان در این زیارتگاه‌ها تجلی یافته‌اند. باشد که با زنده نگاه داشتن این رسوم و باورها بکوشیم تا غبار خرافات از این زیارتگاه‌ها و نمادهای آن‌ها زدوده شود.

منابع

- قران کریم.
- ابراهیم‌زاده، عیسی (۱۳۸۸). *بنیان‌های جغرافیایی جنوب شرق ایران*. پژوهشکده علوم زمین و جغرافیا. چاپ اول، زاهدان: انتشارات دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- اسلامی ندوشن، محمدعلی (۲۵۳۶). *داستان داستان‌ها*. تهران: توس.
- آقایی، احمد (۱۳۹۱). «قربانی در آیین یهود». *مجله هفت آسمان مجله مرکز مطالعات ادیان و مذاهب، دانشگاه ادیان و مذاهب*، ۵۳: ۷۸-۵۳.
- آوزمانی، فریدون (۱۳۸۹). «آیین قربانی نذر داوودی، بازمانده رسم کهن مهری». *مجله منظر*، ۸: ۱۷-۱۴.
- بایرناس، جان (۱۳۸۷). *تاریخ جامع ادیان* (مترجم: علی اصغر حکمت). تهران: علمی و فرهنگی.
- بویس، مری (۱۳۷۴). *تاریخ کیش زرتشت* (مترجم: همایون صنعتی‌زاده). تهران: توس.
- بهار، مهرداد (۱۳۷۷). *از اسطوره تا تاریخ با عنوان «درخت مقدس»؛ به اهتمام ابوالقاسم اسماعیل پور*. تهران: چشمه.
- بهنیا، محمدرضا (۱۳۷۶). *غلات سردسیری*. تهران: دانشگاه تهران.
- بهنیا، محمدرضا (۱۳۸۲). «تقدس گندم و نان در تاریخ و ادیان توحیدی». *مجله نامه فرهنگ*، ۴۸: ۱۴۰-۱۴۷.
- بیک محمدی، حسن؛ نوری، هدایت‌الله؛ و بذرافشان، جواد (۱۳۸۴). «اثرات خشکسالی‌های ۸۳-۱۳۷۷ بر اقتصاد روستایی سیستان و راه‌کارهای مقابله با آن». *مجله جغرافیا و توسعه*، ۳ (۵): ۷۲-۵۳.
- پاتس، دنیل‌تی (۱۳۹۲). *باستان‌شناسی ایلام* (مترجم: زهرا باستی). تهران: سمت.
- پایان، رسول (۱۳۷۷). *تکنولوژی فرآورده‌های غلات*. تهران: نوپردازان.
- پرنیان، موسی؛ و بهمنی، شهرزاد (۱۳۹۱). «بررسی و تحلیل نمادهای بخش اساطیری شاهنامه: متن‌شناسی ادب فارسی». *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان*، ۴ (۱۲): ۹۱-۱۱۰.
- پورداوود، ابراهیم (۱۳۷۷). *یشت‌ها؛ جلد ۱*. تهران: اساطیر.
- پورداوود، ابراهیم (۱۳۸۰). *یسنا؛ بخش نخست*. تهران: اساطیر.
- پیرنیا، محمدکریم (۱۳۹۲). *سیک‌شناسی معماری ایرانی؛ به اهتمام غلامحسین معماریان*. تهران: سروش دانش.
- جایز، گرتروود (۱۳۷۰). *سمیل‌ها* (مترجم: محمدرضا بقاپور). تهران: مترجم.

- جوادی، شهره (۱۳۸۶). «اماکن مقدس در ارتباط با طبیعت (آب، درخت و کوه)». *مجله هنر و معماری باغ نظر*، ۸: ۲۲-۱۲.
- جونز، ارنست (۱۳۶۶). *رمز و مثل در روانکاوی* (مترجم: جلال ستاری). تهران: توس.
- خسروی، علیرضا (۱۳۹۲). *مصاحبه شخصی*.
- دادور، ابوالقاسم؛ و مبینی، مهتاب (۱۳۸۷). «بررسی تطبیقی نقش گاو در اساطیر و هنر ایران و هند». *مجله مطالعات ایرانی*، ۱۴: ۱۳۰-۱۱۵.
- دشتی رحمت‌آبادی، غلامرضا (۱۳۶۵). «آیین قربانی در میان اقوام و ملل پیشین». *مجله مشکوه*، ۱۰: ۱۳۹-۱۲۲.
- دوبوکور، مونیک (۱۳۷۳). *رمزهای زنده جهان* (مترجم: جلال ستاری). تهران: مرکز.
- دوستخواه، جلیل (۱۳۷۵). *اوستا*. تهران: مروارید.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷). *لغت نامه دهخدا*. تهران: دانشگاه تهران.
- راشد‌محصل، محمدرضا؛ بهنام‌فر، محمد؛ و زمانی‌پور، مریم (۱۳۹۱). «تجلی کوه در ایران باستان و نگاهی به جلوه‌های آن در ادب فارسی». *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان*، ۱۲: ۱۴۶-۱۱۹.
- سجادی راد، سیدکریم؛ و سجادی راد، صدیقه (۱۳۹۰). «بررسی تطبیقی اسطوره گاو در اساطیر ملل مختلف». *مجله مطالعات ادبیات تطبیقی*، ۱۲: ۴۴-۲۹.
- کرتیس، وستا (۱۳۹۰). *اسطوره‌های ایرانی* (مترجم: عباس مخبر). تهران: مرکز.
- سلطانی‌گرددفرامرزی، علی (۱۳۷۲). *سیمرغ در قلمرو فرهنگ ایران*. تهران: مبتکران.
- سیدحسینی، رضا (۱۳۷۶). *مکتب‌های ادبی*. تهران: نگاه.
- سیدسجادی، سیدمنصور (۱۳۷۶). *منابع آبی و محوطه‌های باستانی سیستان در متون اسلامی*. *مجله علوم انسانی دانشگاه سیستان و بلوچستان*، ۳: ۵.
- شاهنامه‌شناسی (۱۳۵۷). *مجموعه گفتارهای نخستین همایش مجمع علمی بحث درباره شاهنامه در استان هرمزگان*؛ جلد ۱. تهران: بنیاد شاهنامه‌شناسی.
- شوالیه، ژان؛ و گریبان، آلن (۱۳۸۵). *فرهنگ نمادها، اساطیر، رویاها و رسوم ایما و اشاره، اشکال و قوالب* (مترجم: سودابه فضائلی). تهران: جیحون.
- شهرکی‌فرخنده، مرجان (۱۳۹۳). *بررسی قبور و آرامگاه‌های بخش شمالی سیستان در دوره‌ی اسلامی (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)*. دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.
- صدقه، جان (۱۳۸۷). *درخت در اساطیر کهن* (مترجم: محمدرضا ترکی). *مجله شعر*، ۲۶.

- صراف، محمدرحیم (۱۳۸۷). *مذهب قوم ایلام؛ ۲۶۰۰-۵۰۰۰ سال پیش*. تهران: سمت.
- طلائی، حسن (۱۳۸۷). *عصر آهن ایران*. تهران: سمت.
- عبدالهیان، بهناز (۱۳۷۸). «مفاهیم نمادهای مهر و ماه در سفالینه‌های پیش از تاریخ». *مجله هنر ماه*، ۱ (۲).
- عطایی، امید (۱۳۷۶). *آفرینش خدایان: راز داستان‌های اوستایی*. تهران: عطایی.
- عنیفی، رحیم (۱۳۷۴). *اساطیر و فرهنگ ایرانی در نوشته‌های پهلوی*. تهران: توس.
- فتوحی رود معجنی، محمود (۱۳۸۶). *بلاغت تصویر*. تهران: سخن.
- فرنیاز، فربود؛ و طاووسی، محمود (۱۳۸۱). «بررسی تطبیقی مفهوم «درخت» در ایران؛ با تأکید بر برخی متون ادبی و عرفانی ایران باستان و ایران اسلامی». *مجله مدرس هنر*، ۱ (۲): ۴۳-۵۴.
- فروید، زیگموند (۱۳۴۹). *توتم و تابو*. (مترجم: محمدعلی خنجی)، تهران: طهوری.
- کزازی، جلال‌الدین (۱۳۹۰). *رویا، حماسه و اسطوره*؛ جلد ۲. تهران: مرکز.
- گورین، ویلفرد؛ ویلینگهام، جان؛ لیبر، ارل؛ مورگان، جی (۱۳۷۰). *راهنمای رویکردهای نقد ادبی* (مترجم: زهرا میهنخواه). تهران: اطلاعات.
- لسترنج، گای (۱۳۷۷). *جغرافیای تاریخی سرزمین خلافت شرقی* (مترجم: محمود عرفان). تهران: علمی و فرهنگی.
- محمدی، هاشم (۱۳۸۳). «تقدیس و حرمت نان». *مجله فرهنگ مردم*، ۸ و ۹: ۹۸-۸۹.
- مرتضوی، منوچهر (۱۳۶۹). *فردوسی و شاهنامه*. تهران: مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- مرزبان، پرویز؛ و معروف، حبیب (۱۳۷۷). *فرهنگ مصور هنرهای تجسمی*. تهران: سروش.
- مصاحب، غلامحسین (۱۳۹۱). *دایره المعارف مصاحب، تهرانم*. تهران: امیرکبیر.
- موسوی‌حاجی، سیدرسول؛ و مهرآفرین، رضا (۱۳۸۶). «بررسی روشمند باستان‌شناختی سیستان (فاز ۱)». تهران: کتابخانه پژوهشکده باستان‌شناسی (گزارش منتشر نشده).
- مهرآفرین، رضا (۱۳۸۳). *بررسی و تحلیل باستان‌شناسی حوزه زهک سیستان* (رساله دوره دکتری باستان‌شناسی). دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس؛ تهران، ایران.
- مهرآفرین، رضا (۱۳۹۱). *برچکاد اوشیدا*. تهران: دریافت.
- مهرآفرین، رضا؛ و شهرکی‌فرخنده، مرجان (۱۳۹۴). *زیارتگاه‌های سیستان*. مشهد: مشاور توس.
- میرشکرابی، محمد (۱۳۷۹). *دیدار هوم*. *مجله کتاب ماه هنر*، ۲۵ و ۲۶.
- هینلز، جان (۱۳۶۸). *شناخت اساطیر ایران* (مترجم: ژاله آموزگار و احمد تفضلی). تهران: چشمه.
- هول، فرانک (۱۳۸۶). *باستان‌شناسی غرب ایران* (مترجم: زهرا باستی). تهران: سمت.
- یونگ، کاول گوستاو (۱۳۷۷). *انسان و سمبل‌هایش* (مترجم: محمود سلطانیه). تهران: جامی.

- Bauks, M (2007). The Theological Implications of Child Sacrifice in and beyond the Biblical Context in relation to Genesis. In Karin Finsterbusch (ed): *Human Sacrifice in Jewish and Christian Traditio*. Leiden; Boston.
- Feherty, R (1974). Sacrifice, In: *The New Encyclopedia Britinica, 15th ed.* Chicago: Encyclopedia Britannica Inc.